زیر نور صحنه

در حاشیه نمایش«این نوبت از کسان»

خشنودیان

علی شروقی

● «خشنودیان» کیست؟ تاریخ، دست‌کم به گواه یک سند از بین انواع اسناد مکتوب و شفاهی به‌جا مانده از روز کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، می‌گوید: «او تلفنچی مصدق بوده. کسی که روز کودتا به گفته آنکه خاطره را نقل کرده، با شنیدن زنگ تلفن دکتر مصدق، گوشی را برداشته. به تلفن جواب داده و بعد، از تاریخ بیرون رفته است.» به همین سادگی؛ تاریخ، رخدادها را ساده می‌کند. مخصوصا آنگاه که به مردم عادی، آنها که در راس هرم تاریخ نگار نیستند، می‌رسد. «مردم»، «توده»، «جماعت»، «مشتی رند»، اینها از جمله القابی است که تاریخ با انتسابشان به بی‌نام و نشان‌های تاریخ، آنها را یک‌کاسه می‌کند و بی‌نام و نشان‌تر از قبل، تحویل آیندگان می‌دهد. سایه‌روشن‌ها و تفاوت‌ها می‌ماند برای بیان هنری که در آن تاریخ رسمی، سروته می‌شود و در این فرآیند، بر عکس روایت تاریخی، جمع بی‌نام و نشان، در فرد فشرده و نام و نشان‌دار می‌شود. مثل خشنودیان – تلفنچی مصدق – در نمایشنامه «این نوبت از کسان»، نوشته ایثار ابومحبوب که این روزها به کارگردانی حسین ذوقی و با بازی محمدرضا نجفی در تالار انتظامی خانه هنرمندان، روی صحنه است. خشنودیان، در این نمایش، یک «مردم» نامو نشان‌دار شده است. جمع فرد شده، که بی‌اینکه فردیتش را از دست بدهد، مردم را با طیف رنگ‌ها و سایه روشن‌هایشان به نمایش می‌گذارد. خشنودیان، نه ایده ذهنی و نخبه‌گرایانه «مردم» که تن مردم است در مادی‌ترین شکل آن، چنانکه تشویش درون فرد نیز در بدن خشنودیان عینی و مادی شده است و الحق که محمدرضا نجفی با اغراق‌های هوشمندانه‌اش در حرکات بدن و چهره – که به رغم اغراق‌آمیز بودن، به هیچ‌وجه آزاردهنده نیستند - چه خوب این مادی شدن را به نمایش گذاشته است و برای روایت قصه

مردم بدون تاریخ چه کسی بهتر از خشنودیان آدمی که مرکز صحنه نمایشی یک‌نفره را قبضه کند. صحنه را به دست گیرد و صدای بازیگران تاریخ را در بازی صحنه‌ای از صدای خود عبور دهد و اینگونه با تاریخ که همواره سرگذشت نخبگان و سردستگان و آدم‌های اساطیری راس هرم را بازگو می‌کند، درگیر شود. در «این نوبت از کسان»، بازیگران نقش اول تاریخ به بازیگران نقش دوم صحنه نمایش بدل می‌شوند. بازیگرانی بی‌چهره که شخصیت‌شان تنها از خلال مکالمات تلفنی خشنودیان تلفنچی ساخته می‌شود و صدایشان از طریق واکنش‌های خشنودیان به این صداها به گوش می‌رسد. بنابراین، نمای پرسپکتیوی صداها که بر اساس اولویت تاریخ نویس، در تاریخ سازماندهی شده، روی صحنه نمایش شکسته می‌شود و قهرمانان تاریخ، همه با هم برابر، در گوشی‌هایی که روی میز خشنودیان کنار هم ردیف شده، جاخوش کرده‌اند. همه روی میز، زیر دست خشنودیان. حتی خود مصدق، در این نمایش، شخصیتی است که زوائد اساطیری‌اش تراشیده می‌شود و بدن او، به گواه عکسی که راوی نمایش، در قول‌های بین صحنه‌ها وصف می‌کند، از بودن در تاریخ تن می‌زند و به قول راوی «به تاریخ رکب می‌زند.» مصدق، در اینجا ابژه روایت خشنودیان است. کافی است او و وزیرانش را مقایسه کنیم با شخصیت‌های عادی‌تر نمایش مثل رمضانی – تلفنچی وزیر کشور – و مش مهدی – آبدارچی مصدق – که هر دو شخصیت‌هایی به مراتب زنده‌تر و به یادماندنی‌تر در نمایش این نوبت از کسان هستند که اینجا نیز باید به نحوه بازی محمدرضا نجفی اشاره کنم که در گفت‌وگو با آنها لحنی را به‌کار می‌برد که شخصیت آنها از آن سوی خط تلفن، ساخته و ملموس و به‌یادماندنی می‌شود؛ ضمن اینکه ابژه‌گی در برابر خشنودیان را در شخصیت انگار شوخ و سرخوش و بی‌خیال و اهل بازی رمضانی و مش مهدی، کمتر می‌بینیم تا در قهرمانان تاریخی جدی آن سوی خط. در اواخر نمایش، وقتی کودتاچیان همه نهادها را تسخیر کرده‌اند، خشنودیان، ترس‌خورده به مش‌مهدی می‌گوید: «کی حواسش به من و تو هست؟» اما برخلاف آنچه بروشورهای نمایش به ما می‌گویند، این نوبت از کسان نه قصه مصدق که قصه «خشنودیان» است. قصه یک تلفنچی دفتر نخست‌وزیری که درست روزی که می‌خواهد کمی زودتر از اداره جیم شود و با نامزدش به تماشای تئاتر برود، از بد حادثه کودتا اتفاق می‌افتد و برنامه‌اش خراب می‌شود و این آغاز تراژدی اوست و این تراژدی به‌تدریج هولناک‌تر می‌شود. از عمل قهرمانانه هم خبری نیست. خشنودیان، ترسیده است و به تحت‌اللفظی‌ترین معنا، از ترس خودش را خراب کرده است. و البته بداقبالی دیگر او این است که درست روز کودتا مزاج سال‌ها در قبضش، به کار افتاده و از ترس روشدن کارخرابی‌اش نمی‌تواند از دفتر بیرون برود و... و طنز ماجرا اینجاست که در این لحظه، دکتر مصدق از آن سوی خط، در واکنش به بیچارگی او پاسخ‌هایی حماسی می‌دهد که بیشتر به درد ثبت در تاریخ می‌خورند تا علاج سردرگمی و ترس و تردید و بهت‌زدگی خشنودیان بیرون از تاریخ.

عکس: ایرنا

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

هنرمندان بازیچه نشوند

فرزانه ابراهیم‌زاده

وزیر فرهنگ و ارشاد آمده بود تا از دستاوردهای فرهنگی سه ساله اخیر وزارتخانه‌اش بگوید؛ اما نیمی از صحبت‌هایش به حضور سیاسی هنرمندان در انتخابات پیش رو و «خانه سینما» و البته گله از نادیده‌گرفتن دستاوردهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط برخی از رسانه‌ها گذشت.

«سیدمحمد حسینی» که تنها چند ساعت پیش از نشست انتخاب شهر غزنه به عنوان مرکز فرهنگی جهان‌اسلام از افغانستان بازگشته بود؛ در پاسخ به این سوال که هنرمندان تا چه اندازه می‌توانند در موضوع انتخابات وارد شوند، گفت: «هنرمندان این حق را دارند که در برنامه‌های نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری حضور داشته و حمایت خود را از کاندیدای مورد علاقه اعلام کنند. اما این حضور نباید جایگاه هنرمندان را زیر سوال ببرد و از آنها بهره‌برداری سیاسی شود.»

به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: «آنچه بیش از حمایت هنرمندان از کاندیداهای ریاست‌جمهوری اهمیت دارد حفظ شأن و جایگاه آنهاست به این معنا که به اسم انتخابات هنرمندان را بازیچه خود قرار ندهند.»

حسینی همچنین در پاسخ به این سوال که سوءمدیریت و غرض‌های شخصی باعث بروز رکود در سینما شده است، گفت: «عوامل متعددی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا یک اثر یا یک جریان فرهنگی رشد یا افت داشته باشد. متاسفانه در دو سال اخیر نگاه‌ها و جریان‌های سیاسی وارد حیطه فرهنگ و هنر و به‌ویژه سینما شده‌اند و با غرض‌ورزی‌ها و اختلاف‌نظرهایی سینما را به چالش کشیده‌اند و سعی آنها بد جلوه دادن پدیده‌های فرهنگ و هنر بوده است.» او گفت: خیلی وقت‌ها حرف‌ها و حتی هتاکی‌هایی هم صورت گرفته که آن را نادیده گرفتیم. با این حال در موضوع سینما نمی‌گویم مدیرانمان ضعفی نداشتند اما اینکه صرفا ضعف مدیریت باشد را در نظر بگیریم و بگوییم دیگران هیچ نقشی نداشتند هم نیست. به گفته حسینی در رکود سینما عوامل متعددی دخیل بودند که یکی از آنها نگاه‌های سیاسی و اختلاف‌نظرهای سیاسی به فرهنگ و سینماست. ما سعی کردیم تا این موارد را کاهش دهیم و به مدیران نیز توصیه کرده‌ایم نگاه فراگیری داشته باشند. او باز گریزی به موضوع انتخابات زد و گفت: «در آستانه انتخابات نمی‌خواهم نکته‌ای را به کسی تکلیف کنم اما باید این نکته را به هنرمندان بگویم که راهی که جلوی شماست می‌تواند الگویی از «آوینی» یا «مخملباف» باشد. این مسیر بسیار زیاد است اما همین حرف هم می‌تواند ناقص بیان شود و به هنرمندان بگویند که فلانی تکلیف کرده است که چه بکنند و چه نکنند.» او با اشاره به وقایع سال ۸۸ گفت: «متاسفانه شاهد بهره‌برداری‌های سیاسی و افراط و تفریط‌هایی درباره حضور هنرمندان در هر طیفی بودیم و این مساله شأن هنرمندان را زیر سوال می‌برد.»

وزیر در پاسخ به سوالی درباره صدور مجوزهای کنسرت هم آن را به موضوع حضور سیاسی هنرمندان پیوند داد و گفت: «ما برای هنرمندان تا جایی که بتوانیم مجوز صادر می‌کنیم اما برخی از افراد در برهه‌های خاصی از زمان در خارج از کشور و با رسانه‌های معاند همکاری کرده‌اند نمی‌توانیم به این افراد مجوز بدهیم اما مبنای ما بر این نبوده نگاه انسدادی داشته باشیم.» سیدمحمد حسینی که در این نشست به تشریح برنامه‌هایی که در نمایشگاه ۱۰روزه «ره‌توشه» که به دستاوردهای وزارت فرهنگ و ارشاد می‌پردازد اشاره کرد و از آمار روبه‌رشد وضعیت فرهنگی کشور در بخش‌های مختلف گفت: آماری که بیشتر کمی بود تا کیفی. او در پاسخ به این سوال روزنامه «شرق» که از ارایه آمار کیفی سوال کرده بود، گفت: «بحث کیفی بحث بسیار جدی و زمان‌بری است که نمی‌توان در یک جلسه به آن پرداخت. در این مجالی که ما داریم، تنها می‌توانیم بحث کمی را در نظر بگیریم. من می‌توانم بگویم هشت‌تالار فرهنگ و هنر در شهرستان‌ها ساخته شده است اما چطور می‌توانم از کیفیت ساختمان‌ها برای شما بگویم؟»

در آستانه انتخابات نمی‌خواهم نکته‌ای را به کسی تکلیف کنم اما باید این نکته را به هنرمندان بگویم که راهی که جلوی شماست می‌تواند الگویی از «آوینی» یا «مخملباف» باشد. این مسیر بسیار زیاد است اما همین حرف هم می‌تواند ناقص بیان شود و به هنرمندان بگویند که فلانی تکلیف کرده است که چه بکنند و چه نکنند

حسینی البته این پرسش را با گله‌ای از رسانه‌هایی که به گفته‌اش دستاوردهای وزارتخانه را نادیده می‌گیرند و تنها نقاط منفی را پوشش می‌دهند، ادامه داد و گفت: «برخی روزنامه‌ها تنها با نگاهی تنگ‌نظرانه به اخبار می‌پردازند و هر دستاورد مثبتی که ما داشته باشیم را نشان نمی‌دهند.» البته وزیر در جای دیگری از این نشست نیز از رسانه‌ها به دلیل روایت نشدن دقیق صحبت‌هایش گله کرد و گفت:« بحث فرهنگ در رسانه‌ها مغفول واقع شده است و حتی رسانه ملی نیز اخبار پیشرفت‌های فرهنگی را در انتهای خبر اعلام می‌کند. این نشان می‌دهد که حساسیت زیادی بر فرهنگ نیست و برخلاف نظر مقام معظم رهبری در مورد از مظلومیت در آوردن فرهنگ است.»

او به موضوع سه شنبه آخر سال که روز خونین بغداد نام گرفت و در آن روز تعداد زیادی افراد در این شهر کشته شدند اشاره کرد. به گفته حسینی در آن روز وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به همراه یک هیات در این شهر بودند و از مراکز زیادی با وجود خطر بازدید کردند اما رسانه ها هیچ پوششی ندادند. به گفته حسینی:«امسال که سال حماسه سیاسی است باید که فرهنگ سازی درستی انجام دهیم تا بتوانیم این بحث را قانونمند کنیم.»

وزیر گفت: «قاطعانه می‌گویم که در مدت مسوولیتم یک روز هم در کارهای فرهنگی وقفه ایجاد نشده است. ما سعی کردیم تلاش‌هایی که در گذشته و دولت‌های هشتم و نهم اتفاق افتاده را ادامه دهیم و آنها را کامل کنیم.» بخش عمده‌ای از صحبت‌های وزیر به موضوع سینما و خانه‌سینما و بودجه‌های آن اختصاص داشت. او در پاسخ به این سوال که آیا درصدد حذف نهادهای صنفی هستید، گفت: «این‌گونه نیست و ما تشویق کردیم که اهالی سینما حضور داشته باشند. در حال حاضر ۱۲ صنف ثبت شده وجود دارد و ما تنها بحثی که داشتیم این بود که ضوابط حاکم باشند.» حسینی در مورد وضعیت بودجه و اعتبارات فرهنگ و ارشاد از کمبود بودجه در بخش فرهنگی گله کرد و گفت:« در حال حاضر بحث برداشت از صندوق توسعه کشور است. اما سهم فرهنگ در این صندوق نادیده گرفته شده است. او درباره استعفاهای پیاپی در معاونت هنری نیز گفت:« این مسئله ای است که به حضور هنرمندان باز می گردد. بیشتر این استعفاها به این دلیل بود که هنرمندان دوست دارند که در عرصه هنری باشند و وقتی که به عرصه کارهای اجرایی می‌آیند نمی‌توانند کاری انجام دهند.» حسینی درباره وضعیت بودجه عمرانی که به بازسازی اداره تئاتر اختصاص دارد نیز اشاره کرد و گفت که این بودجه به دلیل کمبود اعتبارات در دسترس وزارتخانه قرار نگرفته است. البته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تایید این نکته که ممیزی متر و خط‌کش دقیقی ندارد و اعمال سلیقه در برخی موارد اتفاق می‌افتد، گفت: «ما سعی می‌کنیم ممیزی را در چارچوب قرار دهیم و بتوانیم مانند قانون مطبوعات قانون یکپارچه‌ای داشته باشیم.» حسینی هر چند که در این جلسه بحث درباره کتاب و نمایشگاه کتاب را به فرصت نشست آن موکول کرد، اما با تایید گرانی کتاب در کشور گفت:« این مشکلی است که بر نمایشگاه کتاب تاثیر زیادی ندارد و ما با وجود همه مشکلات نمایشگاه امسال را برگزار خواهیم‌کرد. امسال فضای بیشتری از نمایشگاه کتاب را در اختیار گرفته‌ایم و بخش بین المللی را گسترش خواهیم داد.

او همچنین از اختصاص تسهیلاتی برای برگزاری نمایشگاه کتاب از قبیل یارانه و بن کتاب خبر داد و ابراز امیدواری کرد که نمایشگاه امسال نمایشگاه بزرگ و موفقی باشد.

چهره روز

بدون هیچ حامی مالی

غریب‌پور، یک اپرای آذری‌زبان به روی صحنه می‌برد

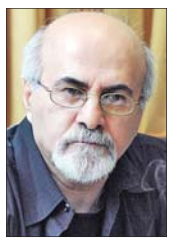

● **شرق:**«بهروزغریب‌پور» این روزها مشغول ساخت اپرای «لیلی و مجنون» به زبان آذری است و به گفته خودش هرچند هنوز حامی مالی در این زمینه پیدا نکرده است اما این اثر گامی برای وحدت ملی و همبستگی بیشتر با هموطنان آذری‌زبان خواهد بود. غریب‌پور درحال آماده کردن ششمین اپرای نمایشی با عنوان «لیلی و مجنون» است. او به عنوان نویسنده و کارگردان تئاتر و سینما در سال‌های اخیر بیشتر وقت خود را صرف ساخت اپراهای عروسکی برگرفته از ادبیات اسطوره‌ای و حماسی ایرانی و بین‌المللی کرده است. او تاکنون پنج اپرا با نام‌های «رستم و سهراب»، «مکبث»، «عاشورا»، «حافظ» و «مولوی» ساخته است اما تازه‌ترین اثر او یک تفاوت اساسی با دیگر کارهایش دارد. غریب‌پور به «شرق» می‌گوید: اصل قصه لیلی و مجنون به زبان عربی است اما به دلیل جذابیت داستان، افراد زیادی مانند خمسه نظامی آن را به زبان‌های دیگری نیز سروده‌اند، همچنان‌که فضولی در قرن دهم این داستان را به زبان آذری سرود و «وزیر حاجی بیوف»، آهنگساز و روزنامه‌نگار در سال ۱۹۰۸ با درنظر گرفتن این داستان، نخستین اپرای آسیایی را روی صحنه برد. غریب‌پور همچنین می‌گوید: اپرا هنوز در میان مردم ما ریشه نگرفته است و وقتی از آنها دعوت می‌شود به تماشای یک اپرا بنشینند؛ تصور می‌کنند یک اثر موسیقی باشکوه است؛ درحالی‌که اپرا عالی‌ترین اثر هنری است که تلفیقی از هنرهای نمایشی، موسیقی و تئاتر به‌شمار می‌رود. این کارگردان تئاتر عنوان می‌کند در اپراهایی که ساخته، تلاش کرده است، مردم را به این اثر هنری نزدیک کند و از آنجا که اپرای لیلی و مجنون به زبان آذری است، حرکتی برای مردمی کردن و همبستگی فرهنگی با هموطنان آذری‌زبان نیز هست. البته بخش زیادی از کلماتی که در این اپرا استفاده شده، فارسی است و تماشاگری که به زبان آذری تسلط ندارد، متوجه مضمون دیالوگ‌ها خواهد شد. این اپرا هنوز حامی مالی ندارد اما تمام گروه بدون درنظر گرفتن این موضوع درحال تمرین برای روی صحنه بردن اثر در تیرماه سال جاری هستند.

«جعبه پاندورا» در گالری «اثر»

نمایشگاهی از نقاشی‌های گلنار طبیب‌زاده با عنوان «جعبه پاندورا» در گالری اثر به نمایش درمی‌آید. طبیب‌زاده از سه سال پیش، فعالیت خود را روی مجموعه «جعبه پاندورا» آغاز کرد و در این نمایشگاه آثاری را با تکنیک میکس‌مدیا روی بوم در سایزهای متفاوت ارایه داده است. او در این مجموعه، معیارهای از پیش تعیین شده جامعه را به چالش کشیده و می‌کوشد تا به وسیله آشکار کردن لایه‌های متفاوت و اصلاح شده افراد، طبیعت حقیقی آنان را فاش کند. طبیب‌زاده متولد ۱۳۶۲ تهران و دارای مدرک کارشناسی نقاشی است. «جعبه پاندورا» هفتمین نمایشگاه انفرادی اوست. او پیش از این شش نمایشگاه انفرادی در داخل و خارج از ایران در گالری‌های اعتماد، نار، مهروا، آتبین و اسنابروک آلمان برپا کرده و در ۱۳ نمایشگاه گروهی در کشورهای اسپانیا، آلمان، ترکیه، انگلیس، ایران و... شرکت کرده است. او در سال ۱۳۸۷ مقام دوم سمپوزیوم بین‌المللی دوبی را کسب کرده و درسال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱در سمپوزیوم بین‌المللی نقاشی تاش، نرماندی، فرانسه حضور داشته است، او دوره تخصصی هنر لایپزیک آلمان را در سال ۱۳۹۰ طی کرده است. این نمایشگاه از جمعه ۳۰ فروردین تا تاریخ ۱۸ اردیبهشت در گالری اثر واقع در خیابان ایرانشهر، خیابان برفروشان، پلاک ۱۶ دایر خواهد بود. گالری شنبه‌ها تعطیل است.

آخرین وضعیت جسمانی «سعدی افشار»

ایسنا: «سعدی افشار» هنرمند باسابقه سیاه‌باز که عید امسال به‌دلیل عفونت ریه در بیمارستان بستری شده بود، بعد از ترخیص چندروزه بار دیگر در بیمارستان «سینا» بستری شد. «رضا رضامندی» یکی از دوستان نزدیک این هنرمند که مسوولیت نگهداری از او را برعهده دارد، درباره وضعیت جسمانی سیاه‌باز باسابقه ایران، گفت: چهار، پنج‌روز است که ایشان بار دیگر در بیمارستان بستری شده است اما خوشبختانه رو به بهبود است. وی اضافه کرد: حالشان خیلی بد بود، به طوری که حتی به اتاق احیا برده شدند، چون اکسیژن خونشان خیلی پایین بود اما در حال حاضر خوشبختانه وضعیت‌شان رو به بهبود است و فعلا در بخش داخلی بستری هستند. رضامندی متذکر شد: می‌شد ایشان را به خانه هم آورد اما چون آنتی‌بیوتیک‌هایشان طوری است که بهتر است در بیمارستان تزریق شود، تصمیم گرفتیم فعلا در بیمارستان بمانند. این هنرمند که گفته می‌شود تنها بازمانده نسل قدیمی سیاه‌بازان ایرانی است، دچار بیماری پوکی استخوان است و در این سال‌های اخیر بارها در بیمارستان بستری شده است.

عکس روز

آثار اولدنبرگ در موزه هنر مدرن نیویورک

اخیرا موزه هنرهای مدرن نیویورک مجموعه‌ای از آثار مفهومی و پاپ‌آرت کلیس اولدنبرگ، هنرمند سوئدی‌تبار را به نمایش گذاشته است. این آثار به دوره فعالیت‌های وی در دو دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی مربوط می‌شود و تعداد آنها به حدود ۱۵۰ اثر می‌رسد. در بیشتر این آثار موضوع زندگی روزمره و محیط‌هایی چون رستوران‌ها و خیابان‌های منهتن واقع در نیویورک نقش برجسته‌ای داشته و بر اساس فرمول‌های هنر پاپ ساخته شده‌اند. مجسمه‌های پلاستیک غول‌پیکر اولدنبرگ نمادهای جامعه مصرفی آمریکا در آن دوران به حساب می‌آیند. از جمله همبرگرهای پلاستیکی او از شهرت فراوانی برخوردار هستند.